

چاپ تازه‌های از کتاب ایزوتسو

مصطفی ذاکری



خدا و انسان در قرآن. توشی هیکو ایزوتسو.
ترجمه احمد آرام. ج ۶.
تهران: شرکت سهامی انتشار،
۱۳۸۸. ۳۴۴ ص.

پروفسور توشی هیکو ایزوتسو (متوفی ۱۹۹۳) از دانشمندان ژاپنی است که هم به علوم فلسفی و زبان‌شناسی غربی احاطه داشت و هم به علوم اسلامی و از ترکیب این دو توانست کتاب‌های ذی‌قیمتی دربارهٔ مباحث فلسفی اسلامی منتشر کند. یکی از این کتاب‌ها همین کتاب مورد بحث است که در آن بینش ژاپنی و اطلاعات زبان‌شناسی و فلسفی

چون الله، نبی، اهل، وحی و تنزیل با کتاب درهم می‌آمیزد و آن را به صورت مفهومی وابسته به وحی الهی می‌سازد که خدا به پیامبرانش نازل می‌کند و اهل کتاب کسانی هستند که پیرو این پیامبران و مؤمن به وحی‌ای است که به آن‌ها شده است. در حقیقت ایزوتسو معنای نسبی را معنای جنبی هر لغت می‌داند که در کتب اسلامی آن‌ها را معنای تضمینی و التزامی می‌نامند با این تفاوت که آن‌ها را در یافت یک نظام فکری می‌یابد.

ایزوتسو برای مثال می‌گوید که بسیاری از کلمات قرآن در عهد جاهلی - یعنی پیش از اسلام - نیز در میان عرب آن‌ها در یک نظام فکری شرک‌آلود به کار

می‌رفتند و در قرآن مفاهیم آن‌ها در نظام توحیدی تغییر یافته است. مثلاً ملک (به فتح لام) که جمع آن ملائکه است به معنای فرشته در میان مشرکان عرب به عنوان دختران الله شناخته می‌شدند و آن‌ها را واسطهٔ میان مردم و خدا می‌دانستند. اما اسلام این مفهوم را تغییر داد و فرشته موجودی شد از مخلوقات الهی که به فرمان خدا کار می‌کند و به عبادت او مشغول است و فرقی با سایر آفریده‌های خدا از نظر آفریده بودن و تبعیت از امر الهی ندارد.

ایزوتسو کلمات متعددی را به همین طریق تحلیل می‌کند، مانند یوم به معنای روز که معنای اساسی آن است، اما در یوم‌الحساب و یوم‌الله بار معنایی خاصی در قرآن پیدا می‌کند. کفر در مقابل شکر و ایمان، نبی و رسول، صراط و معادل آن سبیل به معنای راه، هدایت و ضلالت، الله به معنای خدا - که در جاهلیت سردستهٔ خدایان شرک بود و در اسلام تنها خدای جهان - تقوی، که در جاهلیت به معنای احتیاط کردن و مراقبت کردن از خود در برابر دشمن یعنی تقیه بود و در اسلام به معنای پرهیزگاری، و بسیاری از کلمات دیگر همه در نظام شرک و نظام توحید معنای نسبی متفاوتی پیدا می‌کنند که ایزوتسو آن‌ها را به تفصیل بحث می‌کند.

اما این تنها تمایز نیست که در این کلمات دیده می‌شود، چنان‌که حتی در نظام اسلامی هم مثلاً الله در قرآن با الله در علم کلام فرق دارد، گرچه معنای اساسی هر دو یکی است. الله در قرآن با انسان

آمیخته و با دیدگاهی جدید به مسئله یا مسائل خدا و انسان در قرآن پرداخته است. شیوهٔ بیان او در مسائل زبان‌شناسی به ویژه که مثال‌های آن را از کلمات و تعبیرات قرآنی انتخاب کرده است، ممکن است دانشجویان زبان‌شناسی را به خود شیفته کند، زیرا که این دیدگاه با بینش غربیان به زبان‌شناسی تفاوت دارد. ترجمهٔ کتاب هم به دست استاد نامداری چون احمد آرام صورت گرفته است که در عمر بابرکت خود خدمات گرانمایی به پیشرفت علم و گسترش زبان فارسی کرده است.

ایزوتسو به جای تعریف مفاهیم به شرح و بسط مثال‌های گزارش می‌پردازد. مثلاً در کتب بلاغی ما، برای الفاظ دو گونه معنا قائل شده‌اند: معنای حقیقی و معنای مجازی و بحث‌های مفصلی دربارهٔ نحوهٔ شناختن این دو از یکدیگر و ضوابط آن‌ها پیش کشیده‌اند. اما ایزوتسو از در دیگری وارد شده است و می‌گوید کلمات دوگونه معنا دارند: یکی معنی اساسی و اصلی - که همان معنای حقیقی است - و آن معنی عام هر کلمه است که در هر بافتی از سخن معنای خود را حفظ می‌کند و دوم معنای نسبی است که نه تنها در بافت سخن، بلکه در هر نظام فکری بار معنایی خاصی پیدا می‌کند. مثلاً کتاب معنای اصلی آن نوشته‌ای است که به صورت مجلدی ضبط شده است، اما در قرآن در مجموعه‌ای از مفاهیم اسلامی قرار می‌گیرد که به آن معنای خاصی می‌بخشد، چنان‌که در این مجموعه کلماتی

نخست را در این جا شرح دادم و فصول دیگر آن عبارت است از: میانی جهان بینی قرآنی (فصل ۳)، الله در اسلام و جاهلیت و در دیدگاه های یهودی نصرانی (فصل ۴)، رابطه میان خدا و انسان از نظر آفرینش و سرنوشت یعنی تقدیر (فصل ۵)، رابطه تبیینی میان خدا و انسان از نظر وحی و هدایت از یک سو و عبادت و دعا از سوی دیگر (فصل های ۶ و ۷)، جاهلیت و اسلام و مفاهیم خضوع و حلم و دین (فصل ۸) و سرانجام رابطه اخلاقی میان خدا و انسان شامل مباحث رحمت و غضب الهی و وعده و وعید او (فصل ۹).

امید است که دانشجویان الهیات و فلسفه و عامه علاقه مندان به مسائل خداشناسی و قرآن شناسی خود مطالب و نکات جالب این مباحث را از کتاب کشف فرمایند، گرچه درک بعضی مباحث آن شاید برای خواننده عادی دشوار باشد.

هر شب
ستاره ها
از ترس کم شدن
گریه می کنند
از بس
فیال بافت مادر م
«هر چیز را بشمیری، کم می شود»
من
روزها را شمرده ام
از روزهای نبودن تو
هیچ
کم نمی شود

نردبام گیلاس ما را قرمز نمی کند

دفتر شعری از
سوری احمدلو



مؤسسه انتشاراتی آهنگ دیگر

(مثلاً با حضرت موسی) سخن می گوید اما در علم کلام سخنگوی خدا به عنوان صفتی ذاتی به حساب می آید که خود بحث های وسیعی را در بر می گیرد و این نتیجه آشناسدن مسلمانان با فلسفه یونانی بوده است که بنابر آن تمام هستی از طریق ذات و صفات تعبیر و تفسیر می شود، که ذات ثابت است و صفات متغیر. ولی در مورد خدا متکلمین ناچار صفات خدا را عین ذات او می دانند و غیرقابل تغییر. این برداشت متکلمین از کلام خدا به عنوان صفتی در مقابل ذات او، دیگر مفهوم قرآنی نیست بلکه ساخته و پرداخته ذهن متکلمان فلسفه گرای عهد عباسی است. همچنین است مفهوم الله در فلسفه یا در تصوف که با مفهوم قرآنی آن فرق دارد، گرچه همه این مفاهیم ظاهراً در نظام اسلامی به هم تنیده اند و در حول و حوش مفهوم قرآنی آن قرار دارند. مثلاً خدا در فلسفه یعنی حکمت اسلامی، همان محرک اول در فلسفه ارسطو است که خالق نیست، بلکه علت اولی در خلقت است، یعنی نخستین مصدر پیدایش موجودات، اما هنوز آن را با خدای قرآن یکی می دانند. کلمه اسلام در اصل به معنای تسلیم شدن در برابر خدا و اراده او بوده است، اما در دیدگاه کلام اسلامی مفهومی است که شامل ایمان و اعتقاد به خدا همراه با عباداتی چون نماز و روزه و حج و زکات می شود و لذا در نظامی جدید قرار می گیرد. علم به معنای دانستن در برابر ظن و گمان است که اولی حاصل تجربه و آموزش است و دومی تراویده از درون. اما در اسلام علم شناختی است که از وحی الهی حاصل می شود و خدا به انسان می دهد. عقل در مفهوم جاهلیت آن که به معنای خرد بود با عقل در فلسفه اسلامی که از موارث یونانیان است تفاوت فاحشی دارد. چنان که در این فلسفه از عقول عشره و عقل فعال سخن می رود که برای مردم پیش از اسلام در عربستان چنین مفهومی وجود نداشته است و در قرآن هم فقط از تعقل سخن گفته شده است یعنی تدبیر و اندیشیدن. کلمه وجود نیز چنین است که در فلسفه اسلامی معنای خاصی در برابر عدم دارد. در حالی که معنای اساسی آن فقط بودن و وجود داشتن است.

این ملاحظات ما را بر آن می دارد که در مطالعه قرآن ذهن خود را از مفاهیم نسبی و جنبی که کلمات قرآن بعداً در نظام های فلسفی و عرفانی و کلامی و غیره پیدا کرده است دور نگه داریم و «بکوشیم تا قرآن را نه از طریق اندیشه هایی بخوانیم که به توسط متفکران مسلمان دوره های پس از قرآنی در تلاش جهت فهمیدن و تفسیر کردن این کتاب و هر یک به شکلی خاص پیدا شده است، بلکه باید کوشش ما مصروف آن باشد که ساخت مفاهیم کلمات قرآنی را به صورت اصلی آن ها بفهمیم. یعنی به همان صورت که معاصران پیغمبر و پیروان بلاواسطه آن ها (یعنی صحابه و تابعین) آن را می فهمیده اند» (ص ۹۰).

از این جا به بعد سعی ایزوتسو در نشان دادن این روش تحقیق است که باید خوانندگان خود به دقت آن ها را مطالعه کنند، زیرا که این روش سعی دارد ما را به اصل دیدگاه قرآنی، فارغ از آنچه در نظام های فکری بعدی در جامعه اسلامی پیدا شده است، راهنمایی کند.

کتاب در نه فصل تنظیم شده است که من خلاصه دو فصل